

برای علیرضا باقری، زمین گلبال همان جایی است که سرآمدی را برایش معنا بخشیده است

«تک» مثل بازیکن شماره «یک»



سمیرا شاهیان عبارت «ورزشکار کم بینا» معرف او نیست؛ علیرضا شنونده ای حرفه ای است که صدای توپ را تبدیل به گل «تثبیت بُرد» می کند. نقص در حس بینایی اش را طوری با تقویت حس شنوایی جبران کرده است که از آن دستاورد می سازد. علیرضا باقری تا این سن، مسیر آینده اش را با اندکی دید و صد البته صدا ساخته است؛ صدای توپ، صدای هم بازی و مربی اش، صدای مادرش و صدای راسخی که درون خودش جریان دارد. جوان متولد ۱۳۸۱، بازیکن کم حرف سالن گلبال که یک سال است وارد تیم ملی شده و با یک گل زده، در مسابقات آسیایی مهر امسال خوش درخشیده است. این روزها نه تنها همین موفقیت تازه، که مسیر زندگی اش، ارزش روایت دارد.

● «داشته» های علیرضا از دنیا

از کوچکی های خین عرب برخاسته و بیست و پنج سال است در خیابان توس ۷۰ و محله خاتم الانبیا (ع) زندگی می کند. آموزش برای او از مدرسه نایبانیان امام علی (ع) شروع شد؛ زیرا از بدو تولد با بیماری آرپی درگیر بوده است. شکل بیماری ارثی او و خواهرش طوری است که تنها بخش کوچکی از دید مرکزی را به همراه دید جزئی محیطی دارند. باین حال در زمان اولین برخورد، ما را متعجب می کند و شبیه کسی که هیچ نقصی در بینایی ندارد به ما می رسد و سلام و احوالپرسی می کند. علیرضا می گوید: بیشتر کارهای شخصی ام را خودم انجام می دهم. رفت و آمد با خودم است. ورزش، دانشگاه و کارم را با هم پیش می برم. ورودی سال ۱۴۰۱ رشته روان شناسی در دانشگاه آزاد هستم و رشته های ورزشی دیگر را هم از دوومیدانی تا شطرنج امتحان کرده ام.

● پسر کوچک، قهرمان بزرگ

سالن ورزشی تقوادرفرامرز عباسی، جایی که ما شاهد حمله ها و دفاع های جانانه علیرضا هستیم، کنار مدرسه نایبانیان امید است. تحصیل این ورزشکار حرفه ای هم در دوره راهنمایی از همین مدرسه شروع شده است؛ «به دلیل معلولیتی که دارم از ابتداء مدرسه نایبانیان درس خواندم. سالی که به اینجا آمدم به دلیل جابه جایی خانه مان، مدتی همین جادر خوابگاه زندگی کردم. دوستم ابراهیم هم مثل من بود. او گلبال بازی می کرد. هم سالن ورزشی نزدیک بود و هم رشته مناسب حال ما بود. برای همین من هم تشویق و وارد این رشته شدم.» او چهارده ساله بود که دست هایش را در گلبال برای حمله بلند کرد؛ البته نه منظم و پیوسته. اوایل بیشتر مثل نوجوانی بود که نمی دانست راهش از کدام مسیر می گذرد؛ «چون در خوابگاه بودم و سالن در زمان هایی به رشته گلبال اختصاص داشت، ما با ورزش مشغول می شدیم. از همان سال اول به سالن آمدم، ولی اگر بخواهم حرفه ای و مفیدش را حساب کنم، چهار سال است که گلبال بازی می کنم.»

